

زیارت نواب اربعه

بیشتر از آن است که ذکر شود، و همین اندازه برای ترغیب و تشویق زائران، برای درک فیض زیارتشان کافی است.

اما کیفیت زیارت ایشان: به صورتی است که شیخ طوسی در کتاب «تهذیب» و سید ابن طاووس در «مصباح الزائر» ذکر کرده‌اند و آن را به جناب ابو القاسم حسین بن روح (رحمة الله علیه) نسبت داده‌اند که فرموده است در زیارت ایشان بر رسول خدا سلام می‌کنی، و بعد از آن حضرت، به امیر مؤمنان و خدیجه کبری و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و بر هر یک از امامان علیهم السلام تا صاحب الزمان (صلوات الله علیه) و آنگاه می‌گویی: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ**

سلام بر تو ای فلان بن فلان

و به جای «فلان بن فلان» اسم صاحب قبر و پدر او را ذکر می‌کنی
أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى ، أَدَّيْتَهُ عَنْهُ وَأَدَّيْتَهُ إِلَيْهِ ، مَا خَالَفْتَهُ

گواهی می‌دهم که تو دروازه فیض مولایی، از جانب او انجام وظیفه کردی، و نسبت به او ادای تکلیف نمودی،

وَلَا خَالَفْتَهُ عَلَيْهِ ، قُتِّمَتْ خَاصًّا وَانصَرَفَتْ سَابِقًا ؛ جِئْتُكَ

با او مخالفت نکردی، و علیه او به مخالفت برنخاستی به نیابت خاص قیام نمودی، و پیشی گیرنده

عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ ، وَ أَنَّكَ مَا خُنْتَ فِي التَّادِيَةِ

بازگشتی، نزد تو آدمم شناسای به حقی که تو بر آنی، و اینکه در ادای وظیفه و سفارت

وَ السَّفَارَةِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَهُ (أَوْسَعَكَ) ،

خیانت نکردی، سلام بر تو در دریچه فیض امام بودن، چقدر پهناور است آن دریچه،

زیارت نواب اربعه

وَمِنْ سَفِيرٍ مَا آمَنَكَ ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَّنَكَ ؛ أَشْهَدُ أَنَّ

و در سفیر بودن، چه اندازه تو امینی، و در مورد اطمینان بودن، چه بسیار با اقتداری تو، گواهی می‌دهم که

اللَّهِ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ ، حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ ، فَأَدَّيْتَ عَنْهُ

خدا تو را به نورش اختصاص داد، تا آن حضرت را به وضوح دیدی. پس از جانب او و نسبت

وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ . بعد باز می‌گرددی و دوباره بر معصومان از

به او ادای وظیفه کردی.

رسول خدا تا صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ سلام می‌کنی، و پس از

آن می‌گویی: جِئْتُكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ ، وَمُؤَالَاةٍ أَوْلِيَائِهِ ،

به خدمتت آمدم، در حال اخلاص به یگانگی خدا، و دوستی با اولیای خدا،

وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ (أَعْدَائِهِ) ، وَمِنْ الَّذِينَ خَالَفُوكَ ؛ يَا

و بی‌زاری از دشمنان ایشان، و از کسانی که با تو مخالفت کردند، ای

حُجَّةَ الْمَوْلَى ، وَبِكَ إِلَيْهِمُ (اللَّهُمَّ) تَوَجَّهْتُ ، وَبِهِمْ إِلَى اللَّهِ

حجت مولا، روی من به وسیله تو به سوی ایشان است، و به آنان است

(إِلَيْكَ) تَوَسَّلْتُ . سپس دعا می‌کنی و از حق تعالی

توسلّم به سوی خدا.

می‌طلبی آنچه را که می‌خواهی، که ان شاء الله اجابت

می‌شود. مؤلف گوید: سزاوار است در بغداد زیارت شود،

شیخ اجلّ عالی مقام ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی

(عطر الله مرقده) که شیخ و رئیس شیعه و اوثق و اثبت ایشان

در حدیث بود، و کتاب شریف کافی را که روشنی چشم

شیعه است، در مدت بیست سال تألیف کرد، و الحقّ منّت

عظیم بر شیعه، به ویژه بر اهل علم نهاد، و به خاطر جلالت

و عظمت شأن آن بزرگ، ابن اثیر او را احیا کننده مذهب امامیه در آغاز سال سیصد هجری برشمرده است، پس از آنکه مولای ما حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیه را احیاگر این مذهب در آغاز سال دویست هجری به حساب آورده است و ما در کتاب «هدیه» بیشتر علمایی را که در مشاهد مشرفه مدفونند ذکر کردیم، به آنجا رجوع کنید.

بخش چهارم: زیارت جناب سلمان رضی الله عنه

بدان که از تکالیف زائران در شهر کاظمین، رفتن به مدائن است، برای زیارت عبد صالح الهی، جناب سلمان محمدی رضوان الله علیه که نخستین ارکان اربعه است، و خاص به شرافت سلمان منّا اهل البیت و درآمده در شمار اهل بیت نبوت و عصمت است. در فضیلت او جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمان دریایی است که نخشکد، و گنجی است که پایان نپذیرد، سلمان از ما اهل بیت است، حکمت می بخشد و برهان می آورد.» حضرت امیر علیه السلام او را مانند لقمان، بلکه امام صادق علیه السلام او را بهتر از لقمان دانسته، و حضرت باقر علیه السلام او را از متوسمین [کسانی که با تمام وجودشان در صدد شناخت حق و در جستجوی حقایق الهی اند] برشمرده. از

روایات استفاده می‌شود که آن جناب اسم اعظم را می‌دانست و از محدّثین - به فتح دال - [کسی که فرشتگان با او سخن می‌گویند] بوده است. برای ایمان ده درجه است و او در درجهٔ دهم قرار داشت و عالم به غیب و زمان مرگ افراد بود، و در دنیا از خوراکیهای بهشت تناول فرمود و بهشت مشتاق و عاشق او بود و خدا و رسول او را دوست داشتند و حق تعالی پیامبر صلی الله علیه و آله را به محبّت چهار نفر امر فرمود که سلمان یکی از ایشان است و آیاتی در مدح او و همتیان او نازل شد و جبرائیل هرگاه بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرود می‌آمد امر میکرد از جانب پروردگار به سلمان سلام برساند و او را به علم منایا [زمان مرگ افراد] و بلایا و انساب مطّلع گرداند و شبها برای او در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله مجلس اُنسی بوده. حضرت رسول و امیر مؤمنان علیهما السلام چیزهایی از مخزون و مکنون علم خدا به او تعلیم کردند که غیر او قابلیت و قدرت تحمّل آن را نداشته و به مرتبه‌ای رسید که امام صادق علیه السلام فرمود: «سلمان دانش اول و آخر را یافت و او دریایی است که هر چه از او برگرفته شود پایان نپذیرد و او از ما اهل بیت است» برای شوق زائران و رغبتشان به زیارت آنجناب کافی است تفکّر کردن در

اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امت به اینکه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در یک شب از مدینه به مداین رفت و به دست مبارک خود او را غسل داد و کفن کرد و بر او با صفوفی بسیار از ملائکه نماز خواند و در همان شب به مدینه بازگشت زهی شرافت و مودت و محبت به خانواده رسالت که انسان را به این مرتبه از شکوه و عظمت میرساند.

اما کیفیت زیارت آنجناب: بدانکه سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» برای آن بزرگوار چهار زیارت نقل کرده و ما در اینجا به همان زیارت اول اکتفا می کنیم و در کتاب «هدیه» زیارت چهارم را که شیخ در «تهذیب» ذکر فرموده نقل کردیم. چون خواستی آن جناب را زیارت کنی، نزد قبر او به طرف قبله می ایستی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، خَاتِمِ النَّبِيِّينَ .

سلام بر رسول خدا، محمد بن عبد الله، خاتم پیامبران،

السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ . السَّلَامُ عَلَى

سلام بر امیر مؤمنان، سرور جانشینان، سلام بر

الْأئِمَّةِ الْمُعْصومِينَ الرَّاشِدِينَ . السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ .

امامان معصوم هدایت گر، سلام بر فرشتگان مقرب

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ الْأَمِينِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر توای یار امین رسول خدا، سلام بر تو

يَا وَليَّ اميرِ الْمُؤْمِنينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُودِعَ اسرارِ السَّادَةِ

ای دوست امیر مؤمنان سلام بر تو ای سپرده شده اسرار سروران

الميامين ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ البرِّرَةِ الماضينَ ؛

برمیمنت، سلام بر تو ای باقیمانده خدا، از نیکان پیشین،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَباعَبِدِ اللَّهِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ اَشْهَدُ اَنَّكَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله و رحمت و برکات خدا. گواهی می‌دهم که تو

اَطَعْتَ اللَّهَ كَمَا اَمَرَكَ ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ كَمَا نَدَبَكَ ، وَتَوَلَّيْتَ

خدا را آنگونه که فرمان داد فرمان بردی، و از رسولش آن طور که تو را فرا خواند پیروی نمودی،

خَليفَتَهُ كَمَا اَلَزَمَكَ ، وَدَعَوْتَ اِلَى الْاِهِتَامِ بِذُرِّيَّتِهِ كَمَا

و خلیفه‌اش را متابعت کردی چنان که بر تو واجب نمود، و به نکوداشت فرزندانش دعوت کردی،

وَقَفَّكَ (وَفَقَّكَ) ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقينًا ، وَاعْتَمَدْتَهُ كَمَا

آنچنان که تو را آگاه ساخت، و حق را به یقین دانستی، و به آنچنان که فرمان دادی

اَمَرَكَ ؛ [وَ] اَشْهَدُ اَنَّكَ بَابُ وَحْيِ الْمُصْطَفَى ، وَطَرِيقُ حُجَّةِ

اعتماد کردی، گواهی می‌دهم که تو درگاه جانشین مصطفی، و راه حجت

اللَّهِ الْمُرتَضَى ، وَامِينُ اللَّهِ فِيمَا اسْتودِعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِيَاءِ ؛

خدا مرتضی، و امین خدایی در آنچه از علوم برگزیدگان به تو سپرده شده،

اَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ، اَلنَّجَبِ الْمُخْتارينَ لِنُصْرَةِ

گواهی می‌دهم که تو از اهل بیت پیامبری، آن شرافتمندان برگزیده برای یاری جانشین

الْوَحْيِ ؛ اَشْهَدُ اَنَّكَ صَاحِبُ العَاشِرَةِ ، وَ الْبَراهِينِ

آن حضرت گواهی می‌دهم که تو صاحب درجات دهگانه ایمان، و براهین

وَ الدَّلَيلِ الْقاهِرَةِ ، وَ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ،

و دلایل مغلوب کننده‌ای، و تو نماز را به پا داشتی، و زکات دادی

وَ اَمَرْتَ بِالْمَعروفِ ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَ اَدَيْتَ الْأمانةَ ،

و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و امانت الهی را ادا نمودی،

وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ ، وَ صَبَرْتَ عَلَي الْأَذَى فِي جَنبِهِ ،

و برای خدا و رسولش خیر خواهی کردی، و در جنب خدا بر آزار مردم صبر نمودی،

حَتَّىٰ آتَاكَ الْيَقِينُ؛ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَحَدَكَ حَقَّكَ، وَحَطَّ مِنْ

تا مرگ تو را در رسید، خدا لعنت کند کسی را که حق تو را انکار کرد، و از مقامت

قَدْرِكَ؛ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذَاكَ فِي مَوَالِيكَ؛ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعْنَتَكَ

کاست، خدا لعنت کند کسی را که تو را درباره سرورانت آزد، خدا لعنت کند کسی را که تو را

فِي أَهْلِ بَيْتِكَ (نَبِيِّكَ)؛ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَامَكَ فِي سَادَاتِكَ .

درباره خانوادهات به زحمت افکند. خدا لعنت کند کسی را که تو را درباره سرورانت سرزنش نمود،

لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ

خدا لعنت کند دشمن خاندان محمد را، از پری و آدمی، از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ . صَلَّى اللَّهُ

و پسینیان، و بر آنان عذاب دردناک را دوچندان گرداند، درود خدا

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ،

بر تو ای ابا عبد الله، درود خدا بر تو ای صاحب رسول خدا،

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَيْكَ يَا مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

(درود خدا بر او و خاندانش)، و بر تو ای دوست امیر مؤمنان

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَ جَسَدِكَ الطَّاهِرِ،

و درود خدا بر روح پاکیزه و پیکر پاک تو،

وَ الْحَقْنَا بِمَنِّهِ وَ رَأْفَتِهِ إِذَا تَوَفَّانَا بِكَ، وَ بِمَحَلِّ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ،

و خدا هنگامی که ما را می میراند، به منت و مهرش به تو و به جایگاه سروران با میمنت ملحق سازد،

وَ جَمَعَنَا مَعَهُمْ بِجَوَارِهِمْ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

و ما را همراه آنان و جوار ایشان در بهشتهای پر نعمت گرد آورد، درود خدا بر تو

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ إِخْوَانِكَ الشَّيْعَةِ الْبَرَّةِ،

ای ابا عبد الله، و درود خدا بر برادرانت شیعیان نیکوکار

مِنَ السَّلَفِ الْمِيَامِينَ، وَ أَدَخَلَ الرُّوحَ وَالرِّضْوَانَ عَلَى الْخَلْفِ

از گذشتگان پر میمنت، و وارد کند نسیم رحمت و رضوان را، بر بازماندگان از

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْحَقْنَا وَإِيَّاهُمْ بِمَنْ تَوَلَّاهُ مِنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرِينَ،

اهل ایمان، و ملحق کند ما و آنان را به کسانی که سلمان دوست داشت از عترت پاک و سلام

وَعَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. آنگاه سوره

و رحمت و برکات خدا بر تو و بر ایشان.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را هفت مرتبه بخوان، سپس هر چه

خواهی نماز مستحبّ بجا آر.

مؤلف گوید: چون خواستی از زیارت سلمان بازگردی، به

جهت وداع نزد قبر بایست، و این وداع را که سید در آخر

زیارت چهارم ذکر فرموده است بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله، تو درگاه خدایی که از آن درآیند،

وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا، وَنَطَقْتَ صِدْقًا،

و از آن برگیرند، گواهی می‌دهم که حق گفتی، و صادقانه سخن راندی،

وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَائِي وَمَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَسِرًّا؛ أَتَيْتُكَ زَائِرًا،

و به سوی مولایم و مولایت در آشکار و نهان دعوت کردی، زائر به جانب تو آمدم،

وَ حَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوِدِّعًا، وَهَا أَنَا ذَا مُوَدِّعِكَ، أَسْتَوِدِّعُكَ

در حالی که بسیارنده حاجاتم به توام، و من اینک تو را وداع می‌گویم،

دِينِي وَأَمَانَتِي، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى

دین و امانت و عواقب کار و همه آرزویم را در طول عمرم به تو

أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

می‌سپارم، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد، و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْآخِيَارِ.

محمد و خاندان نیکویش

آنگاه خدا را بسیار بخوان و بازگرد. مؤلف گوید: چون زائر

به زیارت سلمان مشرف شد، پس از زیارت دو وظیفه دیگر دارد: **اول:** نماز خواندن در طاق کسری، دو رکعت یا بیشتر، چون آنجا مصلاّی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام است. از عمّار ساباطی روایت شده: امیر مؤمنان به مداین آمد و در ایوان کسری نزول فرمود، در حالی که ابو دلف بن بحیر با او بود، در آنجا نماز خواند، پس از آن برخاست و به دلف فرمود: با من برخیز. و جماعتی از اهل ساباط در خدمت آن حضرت بود، در منازل کسری گردش کرد و به دلف می فرمود: برای کسری در این مکان چنین و چنان بوده، و دلف می گفت: به خدا قسم چنین است که می فرمایی، پس با آن جماعت در تمام آن مواضع گردش کرد، و دلف می گفت: ای سیّد و مولای من، شما چنان به این مکانها آگاهی دارید، که گویا شما این چیزها را در این مکانها نهاده اید!! روایت شده وقتی حضرت برمداین مرور می فرمود، و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده می کرد، یکی از افرادی که در خدمت آن حضرت بود، از روی عبرت این شعر را خواند:

جَرَتِ الرِّیَاحُ عَلٰی رُسُومِ دِیَارِهِمْ فَكَانَتْهُمْ كَانُوا عَلٰی مِیْعَادِ

بر وعده گاهی بوده اند

گویا اینان

دیارشان وزید

بادها بر خرابه های

حضرت فرمود: چرا نخواندی ﴿كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾.

چه بسیار باغها و چشمه‌ها،

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ . وَ نَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ . كَذَلِكَ

و مقام کریم. و نعمتی که در آن کامیاب بودند و وا گذاشتند. چنین بود،

وَ اَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرينَ . فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْاَرْضُ ،

و ما آنها را به مردمان دیگری ارث دادیم. پس گریه نکرد بر آنها آسمان و زمین،

وَ مَا كَانُوا مُنظَرينَ ﴿﴾ . پس از آن فرمود: اِنَّ هُوَ لَءِ كَانُوا

و نبودند مهلت داده شده. البته آنان

وَ ارثينَ ، فَاصْبَحُوا مَوْرُوثينَ ، لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَسُلبُوا

وارث بودند، اما اکنون ارث برده شده‌اند، نعمت را شکر نکردند، در نتیجه دنیایشان

دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ ، اِيَّاكُمْ وَ كَفَرَ النِّعْمِ ، لَا تَحِلُّ بِكُمْ النِّقْمُ .

بر اثر معصیت از دستشان گرفته شد، از ناسپاسی نسبت به نعمت بپرهیزید، تا انتقامها بر شما فرود نیاید.

فقیر گوید: حاصل این معنی را حکیم خاقانی، در قالب شعر آورده، آنجا که فرموده:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مداین را آینه عبرت دان
 پرویز که بنهادی بر خوان تره زرین زرین تره کو بر خوان، رو «کم ترکوا» بر خوان

دوم: زیارت جناب حذیفه بن الیمان می باشد، که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاصان امیر مؤمنان علیه السلام است، و در میان صحابه به شناختن منافقان و آگاهی بر اسامی آنان جایگاه خاصی داشت، و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمی شد، خلیفه ثانی بر او نماز نمی خواند. او از جانب خلیفه ثانی سالها والی مداین بود، و پس از عزل کردنش جناب

سلمان والی آنجا شد. چون سلمان از دنیا رفت دوباره حذیفه والی مداین شد، و ولایتش مستقر گشت تا نوبت خلافت به شاه ولایت علیه السلام رسید، از جانب حضرت از مدینه فرمانی مبارک به او و به اهل مداین صادر شد، که در آن فرمان مبارک، از خلافت خود، و استقرار حکومت حذیفه بر مداین اطلاع دادند. ولی حذیفه پس از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب بصره، به خاطر دفع شرّ اصحاب جمل و پیش از نزول موبک همایون امیر مؤمنان به کوفه وفات یافت و در همان مداین دفن شد. از ابو حمزه ثمالی روایت شده: چون حذیفه مُشرف به وفات شد فرزند خود را خواست و او را به عمل کردن به این نصیحتهای پرفایده وصیت کرد و فرمود: پسر جان من، آشکار کن ناامیدی خویش از آنچه را در دست مردم است، که در این ناامیدی بی‌نیازی و توانگری است، و از مردم حاجات خود را مخواه، که در آن فقر هویدا است، و همواره چنان باش، که روزی که در آن هستی، از روز گذشته‌ات بهتر باشد، و هرگاه نماز می‌خوانی، چنان بخوان که گویا نماز وداع و آخرین نماز توست، و کاری مکن که از آن پوزش بخواهی. و بدان که در جنب حرم جناب

سلمان مسجد جامع مداین می باشد که منسوب به حضرت
عسگری علیه السلام است، معلوم نیست چه کسی آن را ساخته یا
در آنجا نماز خوانده ، شایسته است زائر در آن محل شریف
خود را از فیض دو رکعت نماز تحیّت محروم نکند.

فصل پنجم

«فضیلت کیفیت زیارت امام الانس و النجفة المدفون بأرض لعنہ بضعه سیدالوری،
مولانا ابوالحسن علی بن موسی الرضا (صلوات اللہ علیہ وعلی آباءہ واولادہ ائمه الهدی)»

فضیلت زیارت آن حضرت بیش از آن است که به شمار
آید، و ما در اینجا تنها به ذکر چند خبر تبرک می جوئیم، و
بیشتر آن را از «تحفة الزائر» نقل می کنیم. اول: از رسول خدا
صلی اللہ علیہ وعلیہ وآلہ
خراسان مدفون شود، هیچ مؤمنی او را زیارت نکند، مگر
آنکه حق تعالی بهشت را برای او واجب کند و بدنش را بر
آتش دوزخ حرام سازد، و در حدیث معتبر دیگری فرمود:
پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد، هر
غمناکی او را زیارت کند، البته حق تعالی اندوهش را
برطرف کند، و هر گناهکاری او را زیارت نماید، البته
گناهانش را بیامرزد. دوم: به سند معتبر روایت شده: که
حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: هر که قبر فرزند من
علی را زیارت کند، برای او نزد خدای تعالی ثواب هفتاد
حج پذیرفته باشد. راوی بعید دانست و گفت: هفتاد حج

پذیرفته؟! حضرت فرمود: آری هفتاد هزار حج، گفت: هفتاد هزار حج؟! فرمود: چه بسیار حجی که پذیرفته نباشد، هر که آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن حضرت بیتوته کند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد، گفت: چنان که خدا را در عرش زیارت کرده باشد؟ فرمود: آری چون روز قیامت شود، چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش الهی خواهند بود، اما پیشینیان، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام هستند و اما پسینیان، محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام اند، آنگاه ریسمانی در پای عرش می کشند، پس زیارت کنندگان قبور امامان با ما می نشینند و به تحقیق زیارت کنندگان قبر فرزندم علی، درجه ایشان از همه بالاتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود. سوّم: از حضرت رضا علیه السلام روایت شده: در خراسان بقعه ای است، که زمانی بر آن خواهد آمد، که محل رفت و آمد ملائکه شود پس پیوسته گروههایی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و گروههایی بالا خواهند رفت تا در صور بدمند، پرسیدند: یابن رسول الله کدام بقعه است؟ فرمود: آن بقعه در زمین طوس است و آن والله باغی است از باغهای بهشت، هر که مرا در آن بقعه زیارت کند، چنان

است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده و حق تعالی برای او به سبب آن زیارت، ثواب هزار حجّ پسندیده و هزار عمره پذیرفته بنویسد و من و پدرانم در روز قیامت شفیع او باشیم. چهارم: به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر نقل شده که گفت: نامه امام رضا علیه السلام را خواندم در آن نوشته شده بود: به شیعیان من برسانید، که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج، پس من این حدیث را خدمت حضرت جواد علیه السلام عرض کردم، فرمود: آری و الله هزار هزار حج است، برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حق او را بشناسد. پنجم: به دو سند معتبر روایت شده: حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر که مرا با این دوری بارگاه زیارت کند، من در سه موطن روز قیامت نزد او آیم تا او را از احوال آنها خلاصی بخشم: نخست وقتی که نامه‌های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامه‌های بدکاران در دست چپ ایشان پرواز کند و دیگر نزد صراط و سوم نزد ترازوی اعمال. ششم: در حدیث معتبر دیگری فرمود زود باشد که بر اثر ظلم و ستم با زهر به قتل برسیم، و کنار هارون الرشید به خاک سپرده شوم و خدا تربت مرا محلّ تردّد شیعیان و دوستان من گرداند پس هر که مرا در این غربت زیارت کند، برای او واجب میشود،

فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

که من او را در روز قیامت زیارت کنم و سوگند می خورم، به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری گرامی داشته و او را بر تمام خلایق برگزیده، که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت بجا آورد، البته از جانب خدای عالمیان در روز قیامت آمرزش گناهان را مستحق شود و به حق آن خدایی که ما را بعد از محمد صلی الله علیه و آله به امامت گرامی داشته، و به وصیت آن حضرت مخصوص گردانید، سوگند یاد می کنم که زیارت کنندگان قبر من در روز قیامت بر خدا گرامی تر از هر گروه دیگری هستند و هر مؤمنی که مرا زیارت کند و بر روی او قطره‌ای از باران برسد، البته حق تعالی جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند. هفتم: به سند معتبر روایت شده: محمد بن سلیمان از حضرت جواد علیه السلام پرسید: شخصی به عنوان حج تمتع، حج واجب خود را انجام داد و پس از آن به مدینه رفت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را زیارت نمود، آنگاه به نجف رفت و پدرتان امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کرد، درحالی که حق او را می شناخت و می دانست که او حجت خدا بر خلق و باب الله است که از آن باب باید به خدا رسید، بر آن حضرت سلام کرد و به کربلا رفت و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرد. سپس به بغداد رفت و

فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرد و پس از این زیارتها به شهر خود بازگشت، در این وقت خدا آن قدر مال به او روزی کرد که می‌تواند به حج برود، برای این مرد که حج واجب خود را انجام داده کدام یک از این دو عمل بهتر است، آیا برگردد و دوباره حج کند، یا به خراسان رفته و پدرتان حضرت رضا علیه السلام را زیارت کند؟ فرمود: بلکه برود بر پدرم سلام کند که این افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان انجام ندهید، که بر ما و شما از خلیفه زمان خوف رسوا ساختن و عیب‌جویی است. هشتم: شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام جواد علیه السلام روایت کرده: در میان دو کوه طوس قطعه‌ای از زمین است که از بهشت برداشته شده، هر که وارد آن شود در روز قیامت از آتش ایمنی یابد. نهم: و نیز از آن حضرت روایت کرده: من از جانب حق تعالی بهشت را ضمانت می‌کنم برای هر که قبر پدرم را در طوس زیارت کند، در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد. دهم: شیخ صدوق در کتاب عُیون أخبار الرضا روایت کرده: مردی از نیکان، حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب دید، خدمت آن حضرت عرضه داشت: یا رسول الله از فرزندان کدام یک

فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

را زیارت کنم؟ فرمود بعضی از فرزندان من زهر نوشیده و برخی کشته شده پیش من آمدند. گفتم: با پراکنده شدن مشاهد ایشان کدامیک از آنان را زیارت کنم؟ فرمود: آن را که به تو نزدیکتر است زیارت کن، یعنی آن را که محل تو به بارگاهش نزدیکتر است و او را در زمین غربت به خاک سپرده‌اند، گفتم: یا رسول الله از این فرمایش «رضا» را قصد کردید، فرمود: بگو صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ بگو: صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ، این جمله را سه بار فرمود. مؤلف گوید: در کتاب «وسائل» و «مستدرک» فصول و ابوابی ذکر شده در مورد استحباب تبرک به مشهد امام رضا و مشاهد امامان علیهم السلام و استحباب اختیار زیارت امام رضا بر زیارت امام حسین علیهم السلام و بر زیارت دیگر امامان علیهم السلام و بر حجّ مستحب و عمره مستحب و چون این کتاب گنجایش بسط مطلب را ندارد، ما به همین چند روایت که عشره کامله است اکتفا کردیم.

کیفیت زیارت حضرت رضا علیه السلام

بدانکه برای آن بزرگوار زیارات چندی نقل شده و زیارت

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

مشهور آن حضرت زیارتی است که در کتب معتبر مذکور است و به شیخ جلیل القدر محمد بن حسن بن ولید که از مشایخ جناب صدوق است منسوب کرده‌اند و از کتاب «مزار» ابن قولویه معلوم می‌شود که از ائمه علیهم السلام روایت شده و کیفیت آن موافق کتاب من لا یحضره الفقیه چنان است که: چون زیارت قبر امام رضا علیه السلام را در طوس قصد کنی، پیش از آنکه از خانه بیرون روی غسل کن، و وقتی که غسل می‌کنی بگو:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ اجْرِ

خدایا مرا پاک کن، و دلم را پاک گردان، و سینه‌ام را بگشا، و مدح

عَلَى لِسَانِي مِدْحَتَكَ، وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

و ثنای خود را بر زبانم جاری ساز، که نیرویی نیست جز به تو.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً.

خدایا این غسل را برایم پاک کننده و شفا بخش قرار ده.

و در وقت بیرون رفتن از خانه می‌گویی: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى

به نام خدا و با خدا و به سوی

اللَّهُ، وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ؛ حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ. اللَّهُمَّ

خدا، و به جانب فرزند رسول خدا مرا بس است، بر خدا توکل نمودم. خدایا

إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ إِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ. چون

به سوی تو رو نمودم، و به جانب تو قصد کردم، و آنچه را نزد توست خواستم.

بیرون رفتی بر در خانه خود بایست و بگو: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ

خدایا رویم را

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

وَجَهْتُ وَجْهِي، وَعَلَيْكَ خَلْفْتُ أَهْلِي، وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي،

به سوی تو کردم، و به امید تو پشت سر گذاشتم خاندان و مال و آنچه را به من بخشیدی،

وَبِكَ وَثِقْتُ، فَلَا تُخَيِّبْنِي؛ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ،

و به تو اعتماد کردم، پس مرا محروم مکن، ای آن که هر که او را قصد کند محرومش نسازد،

وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي

و کسی را که حفظ کرد تبااهش نسازد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به نگهداریات

بِحَفِظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظْتَ. چون به سلامت رسیدی

نگاهداری، که هر که را تو حفظ کردی تباه نشود.

ان شاء الله، هر گاه خواستی به زیارت بروی غسل کن، و

وقتی که غسل می کنی بگو: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي،

خدایا مرا پاک کن، و دلم را پاک گردان،

وَ اَسْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ اَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَدْحَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ،

و سینه ام را بگشا، و مدح و محبت و ثنایت را بر زبانم

وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي

جاری ساز، که نیرویی جز به تو نیست، به یقین دانستم که پایه و اساس دین من

التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَ الْإِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ الشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ

تسلیم بودن به فرمان تو، و پیروی از راه و رسم پیامبرت، و گواهی بر تمام

خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَ نَوْرًا؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

خلق توست. خدایا این غسل را برای من شفا و نور قرار ده، که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ. پس پاکیزه ترین جامه های خویش را بپوش، و با پای

توانایی.

برهنه به آرامی و وقار راه برو، و دلت به یاد خدا باشد، و اَللّٰهُ

أَكْبَرُ و لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و سُبْحَانَ اللَّهِ و الْحَمْدُ لِلَّهِ بگو، و گامهای

خود را کوتاه بردار، و زمانی که وارد روضه مقدسه شوی

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛
 به نام خدا، و با خدا، و بر آیین رسول خدا، درود خدا بر او و خاندانش،

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ
 گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، و شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ . آنگاه به نزد
 محمد بنده و فرستاده اوست، و اینکه علی ولی خداست.

ضریح برو و قبله را پشت سر خود قرار بده و روبروی آن
 حضرت بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ
 گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برایش نمی‌باشد، و گواهی می‌دهم

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَأَنَّهُ
 که محمد بنده و رسول اوست، و اینکه او آقای پیشینیان و پسینیان،

سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ، عَبْدِكَ
 و آقای پیامبران و رسولان است. خدایا درود فرست بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ ، وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ ، صَلَاةً لَا يَقْوَى
 و رسول و پیامبر و آقای تمام آفریدگانت، درودی که نیروی شمردن

عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، عَلِيِّ بْنِ
 آن را کسی جز تو نداشته باشد. خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن

أَبِي طَالِبٍ ، عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ ، الَّذِي أَنْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ ،
 ابیطالب بنده است و برادر رسالت، آن وجود مبارکی که او را به علم خود برگزیدی،

وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ
 و برای هر که از بندگانت خواستی او را راهنما قرار دادی، و دلیل بر وجود پیامبری که او را با

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

بِرِسَالَاتِكَ ، وَدِيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ ، وَفَصَلَ قَضَائِكَ بَيْنَ

رسالت‌های برانگیختی و او را به عدالتت داور دین و فیصله‌بخش حکم خود در میان

خَلْقِكَ ، وَالْمُهَيِّمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

بندگانته نهادی، و بر تمام اینها مسلط نمودی، سلام و رحمت و برکات

وَبَرَكَاتُهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ ،

خدا بر او باد. خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولی‌ات،

وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ،

و مادر دو فرزندزاده پیامبر، حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت،

الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ ، التَّقِيَّةَ النَّقِيَّةَ ، الرَّضِيَّةَ الزَّكِيَّةَ ،

آن بانوی پاک و پاکیزه و پاک گشته و بی‌عیب و پسندیده و زکیه،

سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا

سرور بانوان همه اهل بهشت، درودی که توان شمردن آن را کسی جز تو

غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، سِبْطَى نَبِيِّكَ ،

نداشته باشد. خدایا درود فرست بر حسن و حسین، دو فرزندزاده پیامبرت،

وَسَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ ، وَالذَّلِيلِينَ

و دو سرور جوانان اهل بهشت، دو قیام کننده در میان بندگانته، و دو راهنما

عَلَى مَنْ بَعَثْتَ (بَعَثْتَهُ) بِرِسَالَاتِكَ ، وَدِيَانِي الدِّينِ بِعَدْلِكَ ،

بر وجود پیامبری که او را به رسالت‌هایت برگزیدی و دو داور دین به دادگری

وَفَصَلَى قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ

و دو فیصله‌بخش حکم خود در میان بندگانته. خدایا درود فرست بر علی بن

الْحُسَيْنِ ، عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ ، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ

الحسین بنده قیام کننده در میان بندگانته، و راهنما بر پیامبری که او را به

بِرِسَالَاتِكَ ، وَدِيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ ، وَ فَصَلَ قَضَائِكَ بَيْنَ

رسالت‌هایت برگزیدی، و داور دین به دادگری و فیصله‌بخش حکم خود در میان

خَلْقِكَ ، سَيِّدِ الْعَابِدِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ،

بندگانته، سرور بندگی کنندگانته. خدایا درود فرست بر محمد بن علی

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ ، بِإِقْرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ . اللَّهُمَّ

بنده و خلیفهات در زمین، شکافنده دانش پیامبران. خدایا

صَلِّ عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ ،

درود فرست بر جعفر بن محمد صادق، بنده و ولی دینت،

وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ ، الصَّادِقِ الْبَارِ . اللَّهُمَّ صَلِّ

و حجتت بر همه بندگان، آن راستگوی نیکوکار. خدایا درود فرست

عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، عَبْدِكَ الصَّالِحِ ، وَلِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ ،

بر موسی بن جعفر، بنده شایستهات، و زبانت در بین بندگانت،

الطَّاطِقِ بِحُكْمِكَ (بِحُكْمَتِكَ) ، وَالْحُجَّةِ عَلَيَّ بِرِيَّتِكَ .

آن گویای به قانون و فرمانت و حجتت بر مخلوقات.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ بِنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُتَرْضَى ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا، آن پسندیده پیشگاهت و بنده و ولی

دِينِكَ ، الْقَائِمِ بَعْدَكَ ، وَالذَّاعِي إِلَى دِينِكَ ، وَدِينِ آبَائِهِ

دینت، قیام کننده به دادگری و دعوت کننده به سوی دین تو، و دین پدران

الصَّادِقِينَ ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ

راستگوشان، درودی که توان شمردن آن را کسی جز تو نداشته باشد. خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، وَالدَّاعِي إِلَى

بر محمد بن علی بنده و ولی ات، قیام کننده به امرت، و دعوت کننده

سَبِيلِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ بِنِ مُحَمَّدٍ ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ .

به راهت خدایا درود فرست بر علی بن محمد بنده و ولی دینت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ ، الْقَائِمِ فِي

خدایا درود فرست بر حسن بن علی عمل کننده به فرمانت، قیام کننده در

خَلْقِكَ ، وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدَّى عَنْ نَبِيِّكَ ، وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ ،

میان بندگانت، و حجتت که ادا کننده بود از طرف پیامبرت، و گواहत بر بندگانت

الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ ، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ ،

اختصاص یافته به کرامتت، دعوت کننده به طاعتت و طاعت رسولت،

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ

درودهایت بر همه آنان باد خدا یا درود فرست بر حجتت

وَوَلِيِّكَ ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ ، صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً ، تُعَجِّلُ

و ولی ات، قیام کننده در میان بندگانت، درودی کامل، روینده، پایدار که به آن درود در گشایش امرش شتاب کنی،

بِهَا فَرَجَهُ ، وَتَنْصُرُهُ بِهَا ، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ

و به آن یاری اش نمایی، و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی. خدا یا

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ ، وَأُوَالِي وَلِيَّهُمْ ، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ ،

من به محبت ایشان به تو تقرب می جویم و دوست دارم دوست ایشان را، و دشمن دارم دشمن آنان را،

فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا

پس به حق آنان خیر دنیا و آخرت را نصیبم کن، و شر دنیا

وَالْآخِرَةِ ، وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ . سِيسْ نَزْدَ سِرِّ أَنْ حَضَرْتَ

و آخرت و هراسهای روز قیامت را از من بازگردان.

مِي نَشِينِي وَ مِي كُوِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَليَّ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُوْرَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ ؛

بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُوْدَ الدِّينِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ آدَمَ

سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای وارث آدم

صَفْوَةَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ نُوْحٍ نَبِيِّ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ

بر گزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيْلِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو

يَا وَاْرثَ إِسْمَاعِيْلَ ذَبِيْحِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ مُوسَى كَلِيْمِ

ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن

اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاْرثَ عِيْسَى رُوْحِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو

زیارت امام رضا علیه السلام

یا وارثِ مُحَمَّدٍ رَسولِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ امیرِ

ای وارث محمد فرستاده خدا سلام بر تو ای وارث امیر

المُؤْمِنینَ، عَلِیٍّ وَوَلِیِّ اللَّهِ، وَوَجِیِّ رَسولِ رَبِّ الْعَالَمینَ ؛ السَّلَامُ

مؤمنان علی ولی خدا، و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان سلام

عَلَیْكَ یا وارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهراءِ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ

بر تو ای وارث فاطمه زهرا، سلام بر تو ای وارث

الحَسَنِ وَالْحُسَینِ، سَیِّدِی شَبابِ أَهْلِ الجَنَّةِ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ

حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو

یا وارِثَ عَلِیِّ بْنِ الحُسَینِ، زَینِ العابِدینَ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ

ای وارث علی بن الحسین زیور پرستندگان سلام بر تو

یا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، باقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلینَ وَالْآخِرینَ ؛ السَّلَامُ

ای وارث محمد بن علی، شکافنده دانش پیشینیان و پسینیان، سلام

عَلَیْكَ یا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِ البارِّ ؛ السَّلَامُ

بر تو ای وارث جعفر بن محمد، راستگوی نیکوکار، سلام

عَلَیْكَ یا وارِثَ موسیٰ بْنِ جَعْفَرٍ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ ایَّها الصِّدِّیقُ

بر تو ای وارث موسی بن جعفر، سلام بر تو ای راستگوی

الشَّهِیدُ ؛ السَّلَامُ عَلَیْكَ ایَّها الوَصِیُّ البارُّ التَّقِیُّ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

شهید، سلام بر تو ای جانشین نیکوکار پرهیزگار. گواهی می‌دهم که تو

أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ

نماز را بپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف و نهی از

المُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ [مُخْلِصًا]، حَتَّى آتَاكَ الْیقینَ ؛ السَّلَامُ

منکر نمودی، و خدا را (خالصانه) عبادت کردی، تا مرگ تو را در رسید، سلام

عَلَیْكَ یا ابا الحَسَنِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ. بعد خود را به

بر تو باد ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا.

ضَریحِ می‌چسبانی و می‌گویی: اللَّهُمَّ اِلَیْكَ صَمَدْتُ مِنْ

از وطنم خدایا

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

أَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَلَا تُرَدِّدْنِي

آهنگ تو کردم، و به امید رحمت شهرها را پشت سر گذاشتم، پس ناامیدم مکن، و بدون

بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِي، وَارْحَمِ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ،

بر آوردن حاجتم، بازم مگردان، و رفت و آمدم را بر قبر برادر فرزند فرستاده‌ات،

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا مَوْلَايَ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا

(درود تو بر او و خاندانش) رحم کن، پدر و مادرم فدایت ای مولایم، به سوی تو برای زیارت آمدم،

وَإِفْدًا، عَابِدًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاحْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي،

بر تو واردم، از آنچه خود جنایت کرده‌ام، و بر پشتم بار کرده‌ام، به تو پناه آوردم،

فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ

به درگاه خدا شفیع من باش در روز تهیدستی و نداری، برای تو نزد خدا

مَقَامٌ مَحْمُودٌ، وَأَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيهٌ. پس دست راست را بلند

مقامی بس ستوده است، و تو نزد او بس آبرومندی.

مِي كُنِي وَدَسْتِ چپ را بر قبر می‌گشایی و می‌گویی: اللَّهُمَّ

خدایا به

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبَوْلَايَتِهِمْ، أَتَوَلَّى آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ

سوی تو تقرب می‌جویم با دوستی و ولایت ایشان، آخرین آنها را دوست دارم، چگونه که دوست داشتم

أَوْلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَهُمْ. اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا

اولین آنها را، و بیزار می‌جویم از هر یاری غیر ایشان. خدایا لعنت کن کسانی را که

نِعْمَتِكَ، وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوا بِآيَاتِكَ، وَسَخَرُوا

نعمت را دگرگون کردند، و پیامبرت را متهم نمودند، و آیات را منکر شدند، و امام برگزیده‌ات

بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ

را ریشخند زدند، و مردم را علیه خاندان محمد مسلط کردند، خدایا

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا

من با لعنت بر آنان و بیزاری از ایشان در دنیا

وَالْآخِرَةِ؛ يَا رَحْمَنُ. آنگاه بازمی‌گردی، و به نزد پای آن

و آخرت به تو تقرب می‌جویم ای مهربان.

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

حضرت می روی و می گوئی: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ؛

درود خدا بر تو ای ابا الحسن،

صَلَّى اللهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ

درود خدا بر روح و پیکرت و شکیبایی نمودی، تویی راستگوی

المُصَدِّقُ؛ قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ.

خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند.

سپس زاری کن و در لعنت کردن بر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام و قاتلان

حسن و حسین علیهما السلام و قاتلان همه اهل بیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بیفزای، آنگاه از پشت قبر برو، و بالای سر آن حضرت دو

رکعت نماز بجا آر، در رکعت اول سوره یس، و در رکعت

دوم سوره الرَّحْمَنِ را بخوان و در دعا و زاری بکوش و برای

خود و پدر و مادرت و همه برادران اهل ایمان خویش،

بسیار دعا کن و آنچه خواهی نزد سر آن حضرت توقف

کن، و توجه داشته باش که باید نمازهای خود را نزد قبر

بجا آوری.

مؤلف گوید: این زیارت، بهترین زیارات آن حضرت است.

در کتاب «فقیه» و «عیون» و کتب علامه مجلسی و غیر ایشان

وَسَخِرُوا بِإِمَامِكَ که در آخر زیارت است با دو میم است،

یعنی خدایا لعنت کن، کسانی را که استهزا نمودند به امامی

که برای ایشان قرار دادی، ولی در کتاب مصباح الزائر

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

سَخِرُوا بِإِيَامِكَ است، که این نیز صحیح است، بلکه شاید از جهتی اولی باشد، چه آن که مراد از ایام ائمه علیهم السلام هستند، همان طور که در روایت صقر بن ابی دلف در فصل پنجم از باب اول گذشت [صفحه ۱۴۵] این را هم بدان، که لعنت کردن بر قاتلان ائمه علیهم السلام به هر زبانی انجام گیرد خوب است و اگر زائر این عبارت را که از بعضی دعاها گرفته شده بخواند، شاید مناسب تر باشد:

اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ،

خدايا قاتلان امير مؤمنان، و قاتلان حسن و حسين

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَقَتْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ . اللَّهُمَّ الْعَن أَعْدَاءَ آلِ

(درود بر ایشان) و قاتلان اهل بیت پیامبرت را لعنت کن. خدايا دشمنان و قاتلان خاندان

مُحَمَّدٍ وَقَتَلْتَهُمْ ، وَزَدَهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ ، وَهَوَانًا فَوْقَ

محمد را لعنت کن، و بر آنان بیفزای عذابی بر عذاب، و خواری

هَوَانٍ ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ ، وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ . اللَّهُمَّ دُعَّهُمْ إِلَى النَّارِ

بر خواری، و زبونی بر زبونی، و رسوایی بر رسوایی. خدايا آنان را به سوی آتش

دَعَاً ، وَارْكِسْهُمْ فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا ، وَاحْشُرْهُمْ وَاتَّبَعْهُمْ

پرتاب کن، پرتابی سخت و در عذاب دردناکت نگونسارشان گردان نگونساری شدید، و ایشان و پیروانشان را گروه گروه

إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا . در کتاب «تحفة الزائر» آمده، که شیخ مفید

به سوی دوزخ محشور کن.

ذکر کرده: پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

مستحب است این دعا را بخوانند:

دُعای بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمَ فِي مُلْكِهِ، الْقَائِمَ فِي عِزِّهِ، الْمُطَاعُ

خدایا از تو درخواست می‌کنم، ای خدایی که در فرمانروایی‌اش پاینده، و در شکوهش پابرجا،

فِي سُلْطَانِهِ، الْمُتَفَرِّدُ فِي كِبْرِيَاءِهِ، الْمُتَوَحِّدُ فِي دَيْمُومِيَّةِ بَقَائِهِ،

و در سلطنتش مطاع، و در کبریایی‌اش یکتا، و در دوام همیشگی‌اش بی‌همتا است،

الْعَادِلُ فِي بَرِّيَّتِهِ، الْعَالِمُ فِي قَضِيَّتِهِ، الْكَرِيمُ فِي تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ.

در مخلوقاتش دادگر، و در داوری‌اش دانا، و در به تأخیر انداختن کیفرش بزرگوار است.

إِلَهِي حَاجَاتِي مَصْرُوفَةً إِلَيْكَ، وَأَمَالِي مَوْقُوفَةً لَدَيْكَ، وَكُلَّمَا

خدایا حاجاتم بازگردانده به سوی تو، و آرزوهایم ایستاده در پیشگاه توست، و هر زمان

وَفَّقْتَنِي مِنْ خَيْرٍ (بِخَيْرٍ) فَأَنْتَ دَلِيلِي عَلَيْهِ، وَطَرِيقِي إِلَيْهِ؛ يَا

مرا به کار نیکی توفیق دادی، راهنمایم بر آن، و راهم به سوی آن تو بودی، ای

قَدِيرًا لَا تَوُودُهُ الْمُطَالِبُ، يَا مَلِيًّا يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ رَاغِبٍ، مَا زِلْتُ

توانایی که خواسته‌ها در مانده‌اش نکند، ای عطابخش دائمی که هر مشتاقی به جانب او پناه می‌آورد، همواره از جانب

مَصْحُوبًا مِنْكَ بِالنِّعَمِ، جَارِيًّا عَلَى عَادَاتِ الْإِحْسَانِ وَالْكَرَمِ،

تو همنشین با نعمتهایت بوده‌ام، روان بر عادات احسان و کرم،

أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ النَّافِذَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَقَضَائِكَ الْمُبْرَمِ،

از تو می‌خواهم به آن نیروی نافذ در تمام اشیا و حکم استوارت

الَّذِي تَحْجُبُهُ بِأَيْسَرِ الدُّعَاءِ، وَبِالنَّظَرَةِ الَّتِي نَظَرْتَ بِهَا إِلَى الْحِبَالِ

که آن را با آسان‌ترین دعا باز می‌داری، و به آن نظری که به وسیله آن به جانب کوهها نظر کردی

فَتَشَاخَتْ، وَإِلَى الْأَرْضِينَ فَتَسَطَّحَتْ، وَإِلَى السَّمَاوَاتِ

و کوهها بلندی گرفتند، و به زمینها توجه کردی و آنها مسطح شدند و به آسمانها عنایت فرمودی

فَارْتَفَعَتْ، وَإِلَى الْبِحَارِ فَتَفَجَّرَتْ؛ يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدْوَاتِ

پس مرتفع گردید، و به ديارها نگرستی پس روان شدند، ای که از ابزارهای

لِحَظَاتِ الْبَشَرِ، وَلَطْفٍ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ، لَا تُحْمَدُ

نگاه‌های بشر بالاتری و از دسترس دقایق افکار دوری، ای آقای من سپاس نشوی

يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقِكَ مِنْكَ يَقْتَضِي حَمْدًا، وَلَا تُشْكِرُ عَلَى

مگر به توفیقی از سوی خودت، که آن نیز موجب سپاس دیگری است، و بر کوچک‌ترین نعمت

دُعای بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

أَصْغِرُ مِنْتَهُ إِلَّا اسْتَوْجَبْتَ بِهَا شُكْرًا ، فَمَتَى تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ

شکر نشوی مگر آنکه به آن شکر، شکر دیگر را سزاوار گردی. پس چه زمانی نعمتهایت بر شمرده شود

يَا إِلَهِي ! وَتَجَازِي الْأَوْكَ يَا مَوْلَايَ ! وَتُكَافَأُ صِنَائِعَكَ

ای خدای من، و به عطاهايت جزا داده شود ای مولای من، و پاداش متقابل به ساخته‌هايت داده شود،

يَا سَيِّدِي ! وَمِنْ نِعْمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ ، وَمِنْ شُكْرِكَ

ای آقای من، از نعمتهای توست که سپاس کنندگان سپاس می نمایند، و از شکر پذیری توست

يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ ، وَأَنْتَ الْمُعْتَمَدُ لِلذُّنُوبِ فِي عَفْوِكَ ،

که شاکران شکرگزار می کنند، تویی مورد اعتماد، در امر گذشت بر گناهان،

وَالنَّاشِرُ عَلَى الْخَاطِئِينَ جَنَاحَ سِتْرِكَ ، وَأَنْتَ الْكَاشِفُ لِلضَّرِّ

و تویی گسترنده بال پرده پوشی‌ات بر خطاکاران، و تویی برطرف کننده سختی

بِيَدِكَ ، فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفَاهَا حِلْمُكَ ، حَتَّى دَخِلْتَ !

با دست قدرت، چه بسیار زشتی که آن را با بردباری‌ات پوشانیدی، تا از بین رفت،

وَحَسَنَةٌ ضَاعَافَهَا فَضْلُكَ ، حَتَّى عَظُمَتْ عَلَيْهَا مُجَازَاتُكَ !

و چه بسیار خوبی‌ای که آن را فضلت چندین برابر کرد، تا پاداش دادنت بر آن بزرگ شد،

جَلَلْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ

بزرگی از اینکه از تو ترسیده شود جز به عدل، و امید رود مگر احسان

وَالْفَضْلُ ، فَاْمَنْ عَلَيَّ بِمَا أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ ، وَلَا تُخَذِّلْنِي بِمَا

و فضل تو، بر من به آنچه که فضل، آن را واجب نموده منت گذار، و به آنچه

يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ . سَيِّدِي ، لَوْ عَامَتِ الْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَسَاخَتْ

عدالتت به آن حکم می کند خوارم مکن، آقای من اگر زمین گناهان مرا می دانست هر آینه فرو می بردم،

بِي ، أَوِ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي ، أَوِ السَّمَاوَاتُ لَا خَتَطَفْتَنِي ، أَوِ الْبِحَارُ

یا اگر کوهها خبر می داشتند مرا درهم می شکستند، یا آسمانها مطلع می بودند مرا می بردند، یا دریاها آگاه می بودند

لَا غَرَقْتَنِي . سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي ! مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ !

مرا غرق می کردند، آقای من، آقای من، آقای من، مولایم، مولایم، مولایم،

قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضِيَاْفَتِكَ ، فَلَا تُحَرِّمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ

توقفم برای میهمانی‌ات تکرار شده، پس مرا از آنچه به درخواست کنندگان از حضرتت وعده دادی

دُعای بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

لِمَسَائِكَ. يَا مَعْرُوفَ الْعَارِفِينَ، يَا مَعْبُودَ الْعَابِدِينَ، يَا مَشْكُورَ

محروم مکن، ای شناخته عارفان، ای پرستیده پرستندگان، ای سپاس شده

الشَّاكِرِينَ، يَا جَلِيسَ الذَّاكِرِينَ، يَا مَحْمُودَ مَنْ حَمَدَهُ،

سپاسگزاران ای همنشین یادکنندگان، ای ستوده کسی که او را ستوده،

يَا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يَا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَدَّهُ، يَا مَحْبُوبَ مَنْ

ای موجود برای کسی که او را جست، ای وصف شده کسی که او را به وحدانیت وصف نمود، ای محبوب کسی که

أَحَبَّهُ، يَا غُوثَ مَنْ أَرَادَهُ، يَا مَقْصُودَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْهِ، يَا مَنْ

او را دوست داشت، ای فریادرس کسی که او را اراده کرد، ای مقصود کسی که به سویش باز آمد، ای که

لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السَّوَاءَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ

غیب را جز او نداند، ای که بدی را جز او باز نگرداند، ای آن که

لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ

امر را جز او تدبیر نکند، ای که نیامرزد گناهان را جز او، ای که

لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ، صَلَّى عَلَيَّ

پدید نیاورد مخلوق را جز او، ای که نازل نمی کند باران را جز او، بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي؛ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ. رَبِّ إِنِّي

و خاندان محمد درود فرست و مرا ببامرز و مرا بهترین آمرزندگان، پروردگارا من

أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ حَيَاءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَجَاءٍ،

از تو درخواست آمرزش می کنم، آمرزش شرمساری، و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش امیدواری،

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِنَابَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَغْبَةٍ،

و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش بازگشتن، و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش شوق،

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ رَهْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ طَاعَةٍ،

و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش بیم، و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش طاعت،

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِيمَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِقْرَارٍ،

و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش ایمان، و درخواست آمرزش می کنم آمرزش اقرار،

وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ إِخْلَاصٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ تَقْوَى،

و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش اخلاص، و درخواست آمرزش می کنم، آمرزش تقوا،

دُعای بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ تَوَكُّلٍ ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ ذِلَّةٍ ،

و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش توکل، و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش خواری،

وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ عَامِلٍ لَكَ ، هَارِبٍ مِنْكَ إِلَيْكَ ، فَصَلِّ

و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش عمل‌کننده برای تو، گریزان از تو به سوی تو پس

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتُبْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ ، بِمَا تُبْتُ وَتَتُوبُ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر من و پدر و مادرم پذیری، توبه باش، به آنچه

عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغَفُورِ

بر تمام بندگانت توبه‌پذیرفتی و می‌پذیری ای مهربان‌ترین مهربانان، ای آن‌که به آمرزنده

الرَّحِيمِ ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ ، يَا مَنْ يُسَمِّي بِالْغَفُورِ

و مهربان نامیده شدی، ای آن‌که به آمرزنده مهربان نامیده شدی، ای آن‌که به آمرزنده

الرَّحِيمِ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي ، وَزَكَ

و مهربان نامیده شدی، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و توبه‌ام را بپذیر،

عَمَلِي ، وَاشْكُرْ سَعْيِي ، وَارْحَمْ ضَرَاعَتِي ، وَلَا تَحْجُبْ صَوْتِي ،

و عملم را پاک کن، و از کوششم قدردانی فرما، و به زاری‌ام رحم کن، و صدایم را در پرده قرار مده،

وَلَا تُخَيِّبْ مَسْأَلَتِي ؛ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، وَابْلِغْ أَيْمَتِي سَلَامِي

و درخواستم را ناامید مکن، ای فریادرس دادخواهان، و سلام

وَدُعَائِي ، وَشَفِّعْهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ ، وَأَوْصِلْ هَدِيَّتِي إِلَيْهِمْ

و دعایم را به امامان برسان، و در تمام آنچه از تو درخواست کردم، آنان را شفیع من قرار ده، و هدیه مرا به آنان برسان،

كَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا يَنْبَغِي لَكَ ، بِأَضْعَافٍ

آنچنان‌که سزاوار ایشان است، و از این هدیه برای ایشان به چندین برابر بیفز، چنان‌که سزاوار توست، افزایشی که آن

لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ؛

را جز تو شماره نکند، جنبش و نیرویی نیست جز به خدای بزرگ و بزرگ،

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ ، مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .

و درود خدا بر پاک‌ترین فرستادگان محمد و خاندان پاک او.

مؤلف گوید: علامه مجلسی در «بحار الانوار»، از برخی

زیارت دیگر امام رضا علیه السلام

نوشته‌های قدمای اصحاب زیارتی برای حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که معروف به «جوادیّه» است، و در آخر آن زیارت است که نماز زیارت و تسبیح بجا آر، و آن را به آن حضرت هدیه کن، آنگاه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الدَّائِمَ ...» و این دعا را تا آخر آن نقل کرده، پس هر زمان آن زیارت را در آن مشهد مقدس خواندی، این دعا را ترک مکن.

زیارتی دیگر: این زیارتی است که ابن قولویه از بعضی ائمه علیهم السلام روایت کرده که فرمودند: چون به نزد قبر امام رضا علیه السلام رفتی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُتَّضَى، الْإِمَامِ التَّقِيِّ

خدایا درود فرست بر علی بن موسی الرضا، امام پسندیده با تقوای

النَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ، وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى،

بی‌عیب، و حجّت بر هر که بر زمین، و هر که زیر زمین است،

الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ، صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً، زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً،

آن راستگوی شهید، درودی بسیار و کامل، و پاک و به هم پیوسته

مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

و پیایی و در بی هم، مانند برترین درودی که بر یکی از اولیای فرستادی.

زیارت دیگر: زیارتی است که شیخ مفید در کتاب «مقنعه» نقل کرده و فرموده: پس از آنکه غسل زیارت کردی و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را در بر کردی نزد قبر آن

زیارت دیگر امام رضا علیه السلام

حضرت می ایستی و می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ

سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند

وَلِيِّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر تو

يَا إِمَامَ الْهُدَى وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ

ای امام هدایت، دستاویز استوارتر، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، گواهی می‌دهم

أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ، صَلَوَاتُ

که تو گذشتی بر آنچه پدران پاک تو گذشتند، کوردلی

اللَّهِ عَلَيْهِمْ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمِّي عَلَى هُدًى، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ،

را بر هدایت ترجیح ندادی، و از حق به باطل منحرف نگشتی،

وَأَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ

و برای خدا و رسولش خیر خواهی نمودی، و امانت را ادا کردی، خدا از سوی

الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ، خَيْرَ الْجَزَاءِ؛ آتَيْتَكَ بِأَبِي وَ أُمِّي، زَائِرًا عَارِفًا

اسلام و اهلش تو را پاداش دهد، بهترین پاداش، من زائر به حضور آمدم، به حقت

بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ

عارفم، دوستدار دوستانت، و دشمن دشمنانت هستم، مرا نزد پروردگارت شفاعت

رَبِّكَ. سِيسْ خُود رَا بَه قَبْرِ بَچَسْبَان، وَ آن رَا بَبُوس وَ دُو

کن.

طرف صورت خود را بر آن بگذار، آنگاه به جانب سر

باز گرد و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای مولایم ای فرزند رسول خدا

وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَ الْوَلِيُّ

و رحمت و برکات خدا بر تو باد. گواهی می‌دهم که تو پیشوای راهنما، و سرپرست

الْمُرْشِدُ؛ اَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوِلَايَتِكَ؛

ارشاد کننده‌ای، به سوی خدا از دشمنانت بیزار می‌نمایم، و به ولایتت به جانب خدا تقرب می‌جویم،

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درود و رحمت

و برکات خدا بر تو باد.

آنگاه دو رکعت نماز زیارت به جای آر، و بعد از آن هر چه خواستی نماز بخوان، و به طرف پایین پا بازگرد، و به آنچه می خواهی دعا کن، ان شاء الله. مؤلف گوید: زیارت آن حضرت در ایام و اوقات شریفه خاصه به آن جناب فضیلت بسیار دارد، به ویژه در ماه رجب و بیست و سوم و بیست و پنجم ذو القعدة، و ششم ماه رمضان، چنان که در محل خود در اعمال ماهها ذکر شد، و غیر این روزها از ایام دیگر، که به آن حضرت اختصاصی دارد. چون خواستی آن حضرت را وداع کنی، آنچه را در وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله می گفتی بگو: «لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ...» و اگر خواستی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ

سلام

و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای ولی خدا.

خدایا این زیارت را

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،

آخرین بار از

زیارت من فرزند پیامبرت،

و حجت

بر بندگانت قرار مده،

وَاجْمَعْنِي وَإِيَّاهُ فِي جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَفِي حَزْبِهِ، مَعَ

و من و او را

در بهشت گرد آور،

و با او در حزبش

محشورم کن همراه

الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا؛ وَاسْتَوْدِعُكَ

با شهدا

و شایستگان،

و آنان از جهت رفیق بودن خوبند،

و به خدا

اللَّهُ وَاسْتَرَعِيكَ، وَاقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ؛ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ

می سپارم، و خواستار رعایت توام، و بر تو سلام می خوانم، به خدا و به پیامبر

وَبِمَا جِئْتَ بِهِ، وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. مؤلف

و به آنچه تو آوردی و بر آن دلالت نمودی ایمان آوردیم، پس ما را با گواهان بنویس.

گوید: در اینجا به ذکر چند مطلب می پردازیم که ذکر آنها شایسته و مناسب است. **اول:** به سند معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده: هر که را به سوی خدا حاجتی باشد، قبر جدّم حضرت رضا علیه السلام را در شهر طوس زیارت کند، درحالی که غسل کرده باشد، و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند، و در قنوت نماز حاجت خود را بخواهد، به درستی که مستجاب می شود، مگر آنکه خواسته او برای گناه یا قطع رَحِمی باشد. به تحقیق موضع قبر آن حضرت بارگاهی است از بارگاه های بهشت، و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی او را از آتش دوزخ آزاد می کند، و وارد بهشت می نماید. **دوم:** علامه مجلسی از خط شیخ جلیل حسین بن عبد الصمد، پدر شیخ بهایی نقل کرده: شیخ ابو الطیب حسین بن احمد فقیه رازی ذکر کرده: هر کس حضرت امام رضا علیه السلام یا دیگر از امامان را زیارت کند، آنگاه نزد آن امام نماز جعفر بجای آورد، برای او به هر رکعتی نوشته می شود، ثواب کسی که هزار

حجّ و هزار عمره بجا آورده، و هزار بنده در راه خدا آزاد کرده، و هزار مرتبه همراه با پیامبر مرسل به جهاد برخاسته و به هر گامی که بر می دارد، برای اوست ثواب صد حجّ و عمره، و صد بنده آزاد کردن، در راه خدای تعالی، و برای او نوشته می شود صد کار نیک و از او محو می شود صد گناه، و کیفیت نماز جعفر در اعمال روز جمعه گذشت [صفحه ۱۲۳]. سوّم: از محوّل سجستانی روایت شده است: چون مأمون حضرت رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان خواست، حضرت برای وداع با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، و مکرّر با قبر آن حضرت وداع می کرد، و بیرون می آمد و نزد قبر برمی گشت و هر بار صدای مبارکش به گریه بلند بود، من نزدیک آن حضرت رفته و سلام کردم و آن جناب جواب داد، آنگاه حضرت را به آن سفر تهنیت گفتم، فرمود: مرا زیارت کن، همانا از جوار جدّم بیرون می شوم، و در غربت می میرم، و مجاور هارون مدفون می شوم. شیخ یوسف بن حاتم شامی در کتاب «درّ النظیم» فرموده: جماعتی از اصحاب امام رضا علیه السلام روایت کردند که آن حضرت فرمود: زمانی که خواستم از مدینه به جانب خراسان بیرون بیایم، عیال خود را جمع کردم آنان را دستور

مهر حضرت امام رضا علیه السلام به خراسان

دادم که بر من گریه کنند، تا گریه آنان را بشنوم، آنگاه دوازده هزار دینار بین ایشان تقسیم کردم، و به آنها گفتم من هرگز به سوی عیالم بر نمی‌گردم، سپس ابو جعفر جواد را برگرفتم و او را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بردم، و دست او را کنار قبر گذاشتم، و وی را به آن قبر شریف چسبانیدم، و حفظ او را به سبب رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستم، و جمیع وکلا و خدمتکاران خود را به شنیدن، و اطاعت فرمایش او امر کردم، و اینکه با او مخالفت نکنند و به آنان فهماندم که او جانشین من است. سید عبد الکریم بن طاووس روایت کرده: زمانی که مأمون امام رضا علیه السلام را از مدینه به خراسان طلبید، حضرت از مدینه به جانب بصره حرکت کرد، و به کوفه رفت و از بصره بر طریق کوفه به بغداد توجه نمود، و از آنجا به شهر قم و سپس وارد قم شد، اهل قم به استقبال حضرت آمدند، و برای مهمانی کردن آن حضرت با هم مخاصمه می‌نمودند، و هر کدام میل داشتند، آن بزرگوار به خانه او وارد شود، حضرت فرمود: شتر من مأمور است! یعنی هر کجا زانو زد، من آنجا وارد می‌شوم، پس آن شتر آمد تا در یک خانه خوابید، و صاحب آن خانه، در شب آن روز خواب دیده بود که حضرت رضا علیه السلام فردا میهمان

او خواهد بود! چندی نگذشت که آن محلّ مقام رفیعی یافت و در زمان ما مدرسه‌ای آباد است.

شیخ صدوق به سند خود از اسحاق بن راهویه نقل کرده: چون حضرت رضا علیه السلام به نیشابور آمد، و خواست از آنجا حرکت کند، اصحاب حدیث خدمت آن حضرت جمع شدند، و عرضه داشتند: یابن رسول الله از نزد ما می‌روی و برای ما حدیثی نمی‌فرمایی که به واسطه آن از حضورتان استفاده کنیم؟ آن حضرت در آن هنگام در عماری نشسته بود، سر خود را بیرون کرد و فرمود: شنیدم پدرم موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: شنیدم پدرم جعفر بن محمد فرمود: شنیدم پدرم محمد بن علی فرمود: شنیدم پدرم علی فرمود: شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود: شنیدم پدرم حسین بن علی فرمود: شنیدم پدرم امیرمؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شنیدم جبرئیل می‌گفت: شنیدم خدای عزوجلّ فرمود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.

از عذابم ایمن گشت.

هر که وارد قلعه من شد

توحید قلعه من است،

این حدیث شریف را فرمود و حرکت کرد، چون شتر به راه افتاد، ما را خواند و فرمود: بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.

به شرطهای آن، و من از شرطهای آن هستم

ابوالصلت روایت کرده: امام رضا علیه السلام زمانی که به نزد مأمون می‌رفت چون به منطقه ده سرخ رسید، گفتند: یابن

رسول الله ظهر شده، نماز نمی خوانید؟ حضرت پیاده شد و آب طلبید، عرضه داشتند آب به همراه نداریم، پس به دست مبارک خود، زمین را کاوید، به اندازه ای آب جوشید، که آن حضرت و هر که با او بود وضو ساختند، و اثرش تا امروز باقی است، چون وارد سناباد شد، پشت مبارک خود را به کوهی گذاشت، که از آن دیگها می تراشند، و فرمود: خدایا به این کوه سود ببخش، و در ظرفی که از این کوه تراشند، هر چه گذارند، برکت ده، و فرمود: برای آن حضرت دیگها از سنگ تراشیدند، و دستور داد طعامش را جز در آن دیگها نپزند، مردم از آن روز به بعد، دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند. چهارم: صاحب «مطلع الشمس» نقل کرده: در بیست و پنجم ذو الحجة سال هزار و شش، شاه عباس اول وارد مشهد مقدس شد، مشاهده کرد، عبد المؤمن خان اوزبکی حرم مطهر را غارت کرده، و غیر از محجر طلا چیز دیگری در آنجا نگذاشته، در بیست و هشتم ذو الحجة از مشهد به هرات رفت، و هرات را به ایران بازگرداند و پس از ساماندهی آنجا، به مشهد بازگشت و یک ماه در آنجا ماند، و صحن مقدس را مرمت کرد، و خدام بارگاه مبارک را مورد احسان و لطف خویش قرار داد، و به عراق

بازگشت، و در اواخر سال هزار و هشتاد و دو، دوباره به مشهد مقدس رفته، زمستان را در آنجا گذرانید، و خدمت افتخاری آستانه را خود به گردن گرفت و مشغول بود، چنان که شبی با قیچی سر شمعها را می گرفت، شیخ بهایی علیه الرحمه «بالبداهه» این رباعی را سرود:

پیوسته بُود ملائک علیین پروانه شمع روضه خلد آیین
مقراض به احتیاط زن ای خادم ترسم بیری شهپر جبریل امین
و در سال هزار و نه، بنا به نذری که شاه عباس کرده بود تا پیاده به مشهد برود، پیاده به مشهد مشرف شد، و آن مسافت دور را در بیست و هشت روز طی کرد. صاحب تاریخ «عالم آرا» این اشعار را به همین مناسبت نگاشته است:

غلام شاه مردان شاه عباس شه والا گهر خاقان امجد
به طوف مرقد شاه خراسان پیاده رفت با اخلاص بی حد
تا آنجا که گفته است:

پیاده رفت شد تاریخ رفتن ز اصفهان پیاده تا به مشهد

[۱۰۰۹ به حروف ابجد]

چون به مشهد مقدس رسید، صحن مبارک را وسعت داد، و ایوان علی شیر، که درگاه روضه متبرکه از آنجا بوده، و در یک گوشه صحن قرار داشت و بد نما بود، در وسط

قرار داد، و ایوانی برابر آن در طرف دیگر ساخت و خیابانی از دروازه غربی شهر تا شرقی طرح کرد که از هر طرف به صحن رسیده از میان ایوانها بگذشت و چشمه‌ها و قناتها احداث کرد و به شهر آورد، و نهری از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط ایجاد کرد، که آب از حوض گذشته به خیابان شرقی جاری گردد، و در بناهای مذکور کتیبه‌ها به خط میرزا محمد رضا «صدر الکتاب» و علیرضا عباسی و محمد رضا امامی رسم شد و بارگاه مطهر را به طلا تذهیب کرد، چنان که در کتیبه بارگاه مطهر به آن اشاره شده و نوشته آن کتیبه چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. مِنْ عَظَائِمِ تَوْفِيقَاتِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ،

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، از بزرگ توفیقات خدای سبحان

أَنْ وَقَّقَ السُّلْطَانَ الْأَعْظَمَ، مَوْلَى مُلُوكِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ،

اینکه موفق نمود سلطان اعظم سرور پادشاهان عرب و عجم،

صَاحِبِ النَّسَبِ الطَّاهِرِ النَّبَوِيِّ، وَالْحَسَبِ الْبَاهِرِ الْعَلَوِيِّ،

دارنده نسب پاک نبوی، و حسب تابناک علوی

تُرَابِ أَقْدَامِ خُدَّامِ هَذِهِ الْعَتَبَةِ الْمُطَهَّرَةِ اللَّاهُوتِيَّةِ، غُبَارِ نَعَالِ

خاک قدمهای خدمتکاران این قبه مطهر لاهوتی، غبار کفشهای

زُؤَارِ هَذِهِ الرَّوْضَةِ الْمُنَوَّرَةِ الْمَلَكُوتِيَّةِ، مُرْوَجِ آثَارِ أَجْدَادِهِ

زائران این گلشن نورانی، رواج‌دهنده آثار اجداد

الْمَعْصُومِينَ، السُّلْطَانَ بْنَ السُّلْطَانَ، أَبُو الْمُظَفَّرِ، شَاهِ عَبَّاسِ

معصومینش، سلطان فرزند سلطان، ابو المظفر، شاه عباس

الحُسَيْنِي المَوْسَوِيّ، الصَّفْوِيّ بِهَادِرِ خانٍ، فَاسْتَسَعَدَ بِالْمَجِيءِ،

حسینی موسوی صفوی بهادر خان، پس سعادت یافت

مَاشِيًا عَلَيَّ قَدَمِيهِ مِنْ دَارِ السَّلْطَنَةِ اِصْفَهَانَ، اِلَى زِيَارَةِ هَذَا

به آمدن با پای پیاده از اصفهان پایتخت کشور، به زیارت این

الْحَرَمِ الْأَشْرَفِ، وَقَدْ تَشَرَّفَ بِزِينَةِ هَذِهِ الْقُبَّةِ مِنْ حُلْصِ مَالِهِ،

حرم شریف و به تشریف با طلاکاری و به مال خالصش

فِي سَنَةِ الْفِ و عَشْرِ، وَتَمَّ فِي سَنَةِ الْفِ وَسِتِّ عَشْرَةَ.

در سال هزار و ده تشریف پیدا کرد و در سال هزار و شانزده به پایان رسید.

شیخ طبرسی در کتاب «اعلام الوری»، پس از بیان پاره‌ای از معجزات حضرت رضا علیه السلام گفته: اما آنچه برای مردم پس از شهادت آن حضرت تا زمان ما ظاهر شده، از برکت مشهد مقدس آن حضرت و علامات و عجایبی که مردم بسیار مشاهده نمودند، و عام و خاص تصدیقش کردند، و مخالف و موافق به آن اقرار نمودند، بسیار بلکه خارج از شماره است، و همانا در آن مشهد مقدس کور مادرزاد، و ابرص [نوعی بیماری پوستی] شفا یافتند، و دعاها مستجاب شده و حاجات برآورده گشته و شدائد و مصایب برطرف شده است و ما بسیاری از اینها را خود مشاهده کردیم و علم و یقینی یافتیم که شک در آن راه نیابد. شیخ بزرگوار شیخ حرّ عاملی در کتاب «اثبات الهداة» پس از نقل این کلام از شیخ طبرسی فرموده: که مؤلف این کتاب محمد بن الحسن

الحرّ می گوید: من بسیاری از این معجزات را دیدم و مشاهده کردم همچنان که شیخ طبرسی مشاهده کرده است و برای من یقین حاصل شد همچنان که برای او یقین حاصل شده و در مدت مجاورت من در مشهد مقدس که ۲۶ سال می شود چیزهایی در این باب شنیدم که از حدّ تواتر گذشته و من در خاطر ندارم که در این مشهد دعا کرده باشم و از خدا حاجتی خواسته باشم مگر آنکه الحمد لله برآورده شد. و مقام را گنجایش تفصیل نیست، لهذا به اجمال اکتفا کردیم. مؤلف این کتاب عباس قمی گوید: در هر زمان آن قدر کرامات و معجزات از این روضه مقدّسه ظاهر می شود، که نیاز به نقل وقایع گذشته نیست و ما در باب دوم در اعمال شب بیست و هفتم رجب به برخی مطالب که مناسب این مقام بود اشاره کردیم [صفحه ۳۷۸] و فعلاً مقام را گنجایش تطویل نیست، بهتر آنکه این فصل را به همین جا ختم کنیم و این چند بیت شعر را که از جامی در مدح آن حضرت نقل شده است ذکر نماییم.

سَلَامٌ عَلَى آلِ طه وَيس سَلَامٌ عَلَى آلِ خَيْرِ النَّبِيِّينَ

سَلَامٌ عَلَى رَوْضَةِ حَلٍّ فِيهَا إِمَامٌ يُبَاهَى بِهِ الْمَلِكُ وَالِدَيْنِ

معجزات حضرت امام رضا علیه السلام

امام به حق شاه مطلق که آمد
شه کاخ عرفان گل شاخ احسان
علی بن موسی الرضا کز خدایش
ز فضل و شرف بینی او را جهانی
پی عطر رو بند حوران جنت
اگر خواهی آری به کف دامن او
حریم درش قبله گاه سلاطین
دُر دُرچ امکان مه برج تمکین
رضاشد لقب چون رضا بودش آیین
اگر نبودت تیره چشم جهان بین
غبار درش را به گیسوی مشکین
برو دامن از هر چه جز اوست برچین

فصل دهم

در زیارت ائمه سرمن امی اعمال سرواب مطهر و آن دو مقام است

مقام اول: در زیارت دو امام معصوم، حضرت هادی و حضرت حسن عسگری صلوات الله علیهما. هرگاه ان شاء الله به سرّ من رای وارد شدی، و خواستی آن دو امام همام علیهم السلام را زیارت کنی، غسل کن، و پس از رعایت آداب ورود به حریمهای شریفه، تا در حرم مطهر با آرامش و وقار روانه شو، و اذن دخول عامی را که در اوایل این باب ذکر شد بخوان، آنگاه وارد حرم مطهر شو، و آن دو بزرگوار را به این عبارات که صحیح ترین زیارات است زیارت کن.

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا وَلِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا حُجَّتِي اللَّهِ؛

سلام بر شما ای دو نماینده خدا، سلام بر شما ای دو حجت خدا،

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ؛ السَّلَامُ

سلام بر شما این دو نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام

عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأْنِكُمْ؛ أَتَيْتُمْ زَائِرًا عَارِفًا

بر شما ای آنان که خدا اراده اش را درباره شما تغییر داد، زیارت کنان به حضور شما آمدم،

بِحَقِّكُمْ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمْ، مُؤْمِنًا بِمَا

به حق شما آگاهم دشمن دارم دشمنانتان را، و دوستدار دوستانتان هستم، به آنچه به آن ایمان آوردید

أَمَنَّا بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلًا

مؤمنم، و به آنچه به آن کافر شدید کافرم، حق می دانم آنچه را حق دانستید، و باطل می دانم

زیارتنامه من امی علیها السلام

لَمَّا أَبْطَلْتُمَا . أَسَأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا ، أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ

آنچه را باطل دانستید، از خدا، پروردگارم و پروردگارتان درخواست می‌کنم، بهره‌ام را از

زِيَارَتِكُمَا ، الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا

زیارت شما دو تن درود بر محمد و خاندانش قرار دهد، و همراهی شما را، در بهشتها

فِي الْجَنَانِ ، مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ ، وَأَسَأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي

نصیب من کند همراه پدران شایسته شما، و از او می‌خواهم که مرا از آتش

مِنَ النَّارِ ، وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحَبَتِكُمَا ، وَيُعْرِفَ

دوزخ آزاد گرداند، و روزی من فرماید و شفاعت و مصاحبت شما را،

بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا ، وَ لَا يَسْلُبْنِي حُبَّكُمَا ، وَحُبَّ آبَائِكُمَا

و بین من و شما شناسایی پدید آورد، و دوستی پدران

الصَّالِحِينَ ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا ، وَيَحْشُرَنِي

شایسته شما را از من نگیرد، و این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما قرار ندهد، و مرا به رحمتش

مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا ، وَتَوَفَّنِي عَلَى

با شما محشور کند در بهشت. خدایا دوستی این دو بزرگوار را نصیب کن، و مرا بر آیین آن دو

مِلَّتِهِمَا . اللَّهُمَّ الْعَن ظَلْمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ ، وَانْتَقِمِ مِنْهُمْ .

امام همیران. خدایا ستم‌کنندگان به حق خاندان محمد را لعنت کن، و از آنان انتقام بگیر.

اللَّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمْ

خدایا اولین و آخرینشان را لعنت نما، و عذاب را بر آنان

الْعَذَابَ ، وَابْلُغْ بِهِمْ وَبِأَشْيَاعِهِمْ ، وَمُحِبِّبِهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ ، أَسْفَلَ

دوچندان کن، و آنان و شیعیان و دوستداران و پیروانشان را به پست‌ترین

دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ

گودی دوزخ برسان، چه تو بر هر چیز توانایی. خدایا در گشایش کار

وَلِيَّتِكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ ، وَاجْعَلْ فَرْجَنَا مَعَ فَرْجِهِمْ (فَرَجِهِ) ؛ يَا

ولیات و فرزند ولیات شتاب کن، و گشایش کار ما را با گشایش کار ایشان قرار ده، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . وَدِرْعَاكَ لِي وَدِرْعَاكَ لِي وَدِرْعَاكَ لِي وَدِرْعَاكَ لِي وَدِرْعَاكَ لِي

مهربان‌ترین مهربانان.

بکوش و دعا کن به هر دعایی که می خواهی، و اگر بتوانی نزدیک قبر ایشان بروی، برو، و دو رکعت نماز نزد قبر بخوان، و اگر نتوانی وارد مسجد شو و دو رکعت نماز بجا آر، و دعا کن به هر دعایی که خواستی که مستجاب است، و این مسجد مجاور خانه ایشان است، و حضرت امام هادی و امام عسگری علیهما السلام در آن نماز بجای می آوردند. مؤلف گوید: این زیارت موافق روایت «کامل الزیارة» بوده و شیخ محمد بن المشهدی و شیخ مفید و شهید نیز این زیارت را در کتاب «مزار» خود، با اختلافی اندک نقل کرده اند. و بعد از جمله «فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ» فرموده اند: آنگاه برو، و خود را بر هر یک از آن دو قبر بینداز و آن را ببوس و طرف راست و چپ صورت خود را بر قبر بگذار، و پس از آن سر بردار و بگو: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَتَوَقَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ...» تا آخر زیارت. و گفته اند نزدیک سر مقدس چهار رکعت نماز بخوان، و پس از نماز زیارت، هر اندازه خواهی نماز بگزار و پوشیده نماند که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند، و برای آن خانه دری بود، که گاهی باز می کردند و شیعیان وارد می شدند، و کنار قبر زیارت می کردند، و گاهی بسته بود و از بیرون مقابل پنجره ای که بر دیوار، روبروی قبر مطهر

بود زیارت می کردند. در صدر همین روایت مربوطه به زیارت ذکر شده است که غسل می کنی و اگر بتوانی نزد قبر ایشان می روی و گرنه، از برابر پنجره‌ای که به سوی قبر باز می شود به سلام اشاره می کنی، و چنین زائری نماز زیارت خود را در مسجد بجای آورد. چون به همت دوستان آن خانه برداشته شد، و به جای آن بارگاه و حرم و رواق قرار گرفت، آن مسجد داخل در فضای حرم شد، و اکنون در بین مردم معروف است، که ایوان مستطیل، که در صحن پشت سر عسگریین علیه السلام به رواق متصل است، همان مسجد مذکور است. در هر صورت، زائران از این جهت آسوده شدند. برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوص به هر کدام، و مشترک میان هر دو امام، در کتابهای زیارتی ذکر شده است که زائران اگر خواستند، نسخه آن کتابها فراوان است، و اگر زائر را حالی و مجالی باشد، مناسب است زیارت جامعه کبیره را، که پس از این ان شاء الله تعالی ذکر می شود [صفحه ۱۳۲۷] بخواند، زیرا که صدور آن کلمات رسا، که دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل، و اعتراف به عظمت و جلالت امامان است، از مصدر جلال حضرت هادی علیه السلام می باشد. سید ابن طاووس در کتاب «مصباح

زیارت ائمه من امی علیها السلام

الزائر» برای هر یک از این دو بزرگوار زیارت مبسوط، با صلوات بر آنان و دعای پس از نماز زیارت نقل کرده، که آوردنش در این کتاب، گرچه موجب تطویل می باشد، شایسته است، زیرا فواید بسیاری در آن مندرج است. فرمود: هرگاه به «سُرْمَن رَأَى» رسیدی، غسل کن، غسل زیارت و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و با آرامی و وقار روانه شو، تا به درگاه حرم شریف برسی، وقتی رسیدی، طلب رخصت کن و بگو: **أَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ أَدْخُلُ يَا أَمِيرَ**

آیا وارد شوم ای پیامبر خدا، آیا وارد شوم ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ؟ أَدْخُلُ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؟

مؤمنان، آیا وارد شوم ای فاطمه زهرا، سرور بانوان جهانیان

أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ الْحُسَيْنَ بْنَ

آیا وارد شوم ای مولایم حسن بن علی، آیا وارد شوم ای مولایم حسین بن

عَلِيٍّ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ

علی، آیا وارد شوم ای مولایم علی بن الحسین، آیا وارد شوم ای مولایم

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ؟ أَدْخُلُ

محمد بن علی، آیا وارد شوم ای مولایم جعفر بن محمد، آیا وارد شوم

يَا مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنَ مُوسَى؟

ای مولایم موسی بن جعفر، آیا وارد شوم ای مولایم علی بن موسی،

أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ أَبِي الْحَسَنِ

آیا وارد شوم ای مولایم محمد بن علی، آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا الحسن

عَلِيٍّ بْنَ مُحَمَّدٍ؟ أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ؟

علی بن محمد، آیا وارد شوم ای مولایم ای ابا محمد حسن بن علی